

مزه قزوینی زاده | «گینس» اولین ساخته

محسن تانینده این روزها موفق شده است رکورددار ایران ماه رمضان شود و در آستانه ۱۰ روزه روشن گرانیز در تهران و شهرستان‌ها به فروش یک میلیاردی دست پیدا کرده است. آمار فروش این فیلم طی روزهای گذشته افت نکرده و اگر اوضاع هم همین منوال پیش برود، ممکن است فیلم تانینده در مدت ایران خود واقعا رقم شیبه یک رکورد گینس را به دست آورد اما این امر ممکن است در نگاه اول کمی توأم با غافلگی باشد. اما این موفقیت و رضایت مردم از آن دانسته، اما آیا یک فیلم «گینسی» با به سینماها می‌کنند؟ تانینده در تلویزیون با اقبال عمومی مواجه شده و عطاران نیز در شمال گذشته پول‌سازترین مرد سینمای ایران بوده است و این فیلم‌های سال‌های اخیر سینمای ایران کم‌دی بوده‌اند. نمی‌توان اشتیاق مردم به نمایش یک فیلم با حضور این دو را انکار کرد. اما آیا این اشتیاق پس از پایان یافتن فیلم و به رضایت تبدیل می‌شود؟ موضوعی که بازاریابی از مسائل خارج می‌شوند و احتمالا آن را به کسی توصیه هم نمی‌کنند. اما طرف دیگر، گرچه عموماً فیلم از نتایج آید به آن شکایت دارند و بسیاری را توهم تلقی کرده‌اند، اما همین جریان خوبی که برخی سانس‌ها در پیش گرفته‌اند و با قدرت بر طبل آن می‌کوبند در نهایت به ضرر فروش نهایی فیلم نخواهد بود بلکه مخاطبان را که با عطاران و البته تانینده خود گرفته‌اند کنجکاو می‌کند.

دانسان این فیلم هرپوط به ۳ برآورد است که در حاشیه تهران به سختی زنده می‌کند، ۳ برآورد به قول تانینده، کله‌هایشان مشابه است و تصمیم می‌گیرند سوار کاری شمرع زار در کتاب می‌کنند. اما در این راه با ماجراهایی روبه‌رو می‌شوند. تانینده جز کارگرانی در نقش یکی از این برآورد نیز بازی می‌کند. ۲ برآورد دیگر رضا عطاران و محسن اسکندری هستند که در حاشیه حرم برادر عبدالله و مجید اسکندری آستان مطرح چهره‌های سینماست. از نتایج آید به آن، ده‌ها فیلمی که در این حاشیه عرضه می‌شوند هرپوط به جمله ششگانه من تو است.

اولین ساخته تانینده به گفته خودش قرار نیست در سخت و تقیلی باشد و تنها یک کم‌دی سرگرم کننده است. او سال‌هاست که فیلمنامه می‌نویسد و بازی می‌کند اما این بار با فضایی نظیر «گینس» نمایش را بر روی پرده کرده است. کارگرانی که در آن است که می‌توان گفت با همه تفهدها، کماکان هرچه موفق از آن برآمده است.

پیش از شروع فیلم حضور خانواده‌های مشتاق و مقام‌ها سرور نمایش فیلم.

کمی پیش از شروع نمایش فیلم، تماشاچیان روی مندی‌های انگشتر در مورد اتفاقات روزانه صحبت می‌کنند. اما از گوشه و کنار مقایسه فیلم‌های در حال اکران می‌کنند. عطاران در یکی دیگر از آنها حضور دارد. شنیده می‌شود، بیشترین فروش ماه رمضان فیلم‌های گینسی در ماه رمضان داشته‌اند و ساعت پس از اظفار تعداد مردم برای تماشاگرانی که به همراه همسر و دوستان به همراهشان به دیدن این فیلم آمده است، انتظار دارد قبل از هر چیز یک فیلم باید سرگرم کننده باشد. «هم اتفاق‌های خیلی سینما رفتن هستند، اما فیلمی را انتخاب می‌کنم که شاد و مفرح باشد و بیانات مساجد خوشی را از تماشاگران آید تجربه کرد. خیلی علاقه دارم که با خانواده به سینما برویم و اگر مردم فیلم‌های حسنی ساخته شوند ما هم مردم در سینما هستیم» او که تا کنون هیچ آونوسی از فیلم «گینس» ندیده است اضافه می‌کند. «هن من آقای تانینده و امتحان‌کنان را دوست دارم و در ضمن به نظرم همکاری‌شان بسیار ایده‌خالی جالب باشد برای همین این فیلم را انتخاب کرده‌ام». مریم رضایی همسر او نیز این نظرات را تکرار می‌کند. «من تبلیغ تلویزیون را دربراه این فیلم دیدم و به نظرم جالب آمد. ما هر شب سریال پایتخت ۴ را می‌بینیم و واقعا بهترین سریال برای فیلم است. آقای تانینده استعداد خندانند منم از آن دارد». اما سفاقراننده دختر این فیلم نیز از اهدن به سینما برای تماشاگران این فیلم خوشحال است. «ما هر شب هم خانواده و هم



«گینس» خوب است، «گینس» خوب نیست

پایخت را می‌بینم. در میان تماشاچیان

پس از اظفار که برای تماشای فیلم «گینس» آمده‌اند، می‌توان خانواده‌های بسیاری را پیدا کرد که این اتفاق پیش از دیگر فیلم‌ها دیده می‌شود. آژده پورجادی ۴۶ ساله به پایتخت آمده است اما میدورم سینماها به جای آنها خوب باشند» او را علاقه‌ها به رضا عطاران می‌گوید: «هن کارهای عطاران را در کل می‌ببینم. نقش‌های کم‌دی او خیلی به جامعه توجه دارد و انگار تقشش را زندگی می‌کند. در این سال‌ها هیچ‌کدام از نقش‌هایش بدلیل نبوده و همه را بازی کرده است. او در «هللیز» نشان داد که فقط بازیگر فنر نیست و اگر نقش جدید هم به او بدهند به همین خوبی از پس کار برآید».

در این میان اما مخاطبان می‌پسندند که نقدها در از صفحات مجازی دنبال روند. علی سیاه سر وندی در این باره می‌گوید: «در گذشته نظرات مردم در سایت‌های مختلف تقریباً مردم از دیدن این فیلم متصرف کرده بود اما به دلیل این که سانس «هنگ سبز» را امتسب با تأخیر از دست داده‌ام، بیاید این فیلم را همراه دوستم گرفتیم. اما میدورم آن دینشمان می‌شود» او توضیح می‌دهد: «بالتره پان ایران فیلم، بالتره باکره به که شده سه دیدن می‌آمدم چون مردم می‌خواستند بیایم چیزهایی که درباره رگ‌بیدون آن نوشته‌اند درست است یا نه» او ادامه می‌دهد: «این نظرات را منم به این چیزها منجم می‌کنند و حالا تانینده هم به این گفته شده، اما من فکر می‌کنم بیشتر این حرف‌ها فقط به دلیل برخورد خشک و نگاه غلط با مجارست، و اگر نه شوخی‌های عطاران دقیقاً شبیه همان چیزی است که در جامعه اتفاق می‌افتد و ما هر روز مثل آن و بسیاری بسیار بدترش را هم دیده‌اند. من پیشنهاد کردم به دیدن آن آید کشیده و مودب‌مدم در قیله‌ها ظاهر شوند که هیچ از تالیفی هم با جامعه نداشته باشند».

البته درباره دلیل متصرف شدنش پیش از این، گفت: «اما چیزی که من خواندم اذکار ربطی به شوخی‌های فیلم نداشت. مخاطبان توکل بودند فیلم اصلا قهقه نندازد و بی سر و پا و درست است که من طرفداران از آقای عطاران هستم اما واقعا فیلم‌های بی‌سر و ته‌اندیم می‌کند

دوست ندارم مجبور شوم از سینما بیرون

بیایم» صادق چشم‌بر نیز با تأیید حرف‌های مونتوران روشن می‌شود و خیلی خوب است که دولت برای این ساعت‌ها برنامه مناسبی داشته باشد. کمی کیفیت کارهای تلویزیونی پایتخت آمده است اما میدورم سینماها به جای آنها خوب باشند» او را علاقه‌ها به رضا عطاران می‌گوید: «هن کارهای عطاران را در کل می‌ببینم. نقش‌های کم‌دی او خیلی به جامعه توجه دارد و انگار تقشش را زندگی می‌کند. در این سال‌ها هیچ‌کدام از نقش‌هایش بدلیل نبوده و همه را بازی کرده است. او در «هللیز» نشان داد که فقط بازیگر فنر نیست و اگر نقش جدید هم به او بدهند به همین خوبی از پس کار برآید».

در حین نمایش فیلم، واژه‌ها و واژه‌ها در سانس نشسته‌اش احساس می‌کنی از آن نمایش‌ها ترس نمی‌آید ریزی صحنه می‌بینی. مردم هر ساعت هم‌قصر بربری و انگش نشان می‌دهند و این سکوت برای تماشاگران یک فیلم سینمایی آزارناک نمی‌شود. او گوشه‌کنار می‌شود و این نظرات را تکرار می‌کند: «ما به فیلم‌ها خورن تقلاات و فرزند مردم ما هم شده می‌شود و حتی به وضوح می‌توان گفت که چند جوان با هم را به یک داستان خنددار است. تکلیف شده است که در داستان خنددار است باید گفت که فیلم هر می‌رسد است تانینده هم برای همین مردم فیلم‌ها می‌کنند و عطای شوخی ادامه می‌دهد: «آی ایصال‌گر گرانیم»

اگر به شوق همبر اگر درسد در سانس آخر که شترع هم‌چیز به راه می‌زند، تماشاچیان در میان سندی‌ها سراسر با استنادها و عده‌ای سالن را ترک می‌کنند. اما در اظفار بسیاری نمانده‌اند، اما در اظفار بسیاری نمی‌آید صحنه پایانی فیلم را می‌بینند. اما در اظفار بسیاری نمی‌آید صحنه پایانی فیلم را می‌بینند. اما در اظفار بسیاری نمی‌آید صحنه پایانی فیلم را می‌بینند.

تماشاچیان که انتظارشان برآورده نشد می‌توان به راحتی دید که جمعیت گرچه خنده بر لب دارند اما رضی نیستند. بسیاری از تماشاچیان موقع خروج از سالن درباره فیلم حرف می‌زنند و می‌توان جمله‌های شبیه به هم بسیاری را شنید. سارا اسعدت با ناز رضایتی درباره فیلم می‌گوید: «مخترم اصلا این فیلم طنز نبود، من دیدنش شیمان هستم. فیلمی که نمی‌تواند تحمل را تا پایان در سالن نگه دارد اشکال اساسی دارد.» او که «هنگ سبز» را پیش از این دیده‌است اضافه می‌دهد: «فکر می‌کنم دیدن هنگ سبز» سطح سانس‌ها را بالا برده است. فکر می‌کنم بعد از آن، این فیلم، فیلم خوبی نباشد، دلیلش هم حضور بازیگرانی

همین دلیل هم کمتر فیلم و سریال ایرانی نظرم را جلب می‌کند. با این حال از صحنه‌های فلور که لذت بردم اما واقعا آوردن شوخی ابتدایی سیم لازم آید بود؟ و این که دو خواهر دو قلو به جای هم به ابراز حسرت کسی که به آنها علاقه‌مند است پاسخ می‌دهند؟ آیا چنین چیزی واقعا خنده‌دار است؟» او معتقد است این فیلم برای اولین تجربه کارگردانی نقاط قوتی هم داشته است. «البته باید کمی تصویر برابری و چند قالب خوب در فیلم بود و «گینس» سعی کرده بود شبیه در نتود از طرف دیگر شخصیت بازیگران و فضای قهقه‌فانی بود که قسور متوسط رو به پایین جامعه را هدف گرفته بود و قهقه در این حال و هوا گرفته می‌شود. خود این نکته نشان می‌دهد کارگردان دفعه مردم را دارد. مردمی که ساهل‌اند و اعتقاداتی دارند اما درگیر و گرفتار زندگی، به هر چیزی روی می‌آیند. صحنه توهم رضا عطاران اگر به دقت به آن نگاه کنیم می‌تواند واقعیت ناخالی را سه ما بگوید» علیرضا تراقی از دیگر تماشاچیان این فیلم نیز معتقد است تانینده از اسم بازیگران برای فروش فیلم استفاده شده است و فیلم امتیاز دیگری ندارد. «جان این حساب فکر می‌کنم باید یک استاز منفی برای رضا عطاران در نظر گرفت. من هیچ چیز از زندگی در این فیلم ندیدم» او که تانینده می‌کند هر دو بازیگر اصلی فیلم را دوست دارد. ادامه می‌دهد: «واقعا برای تماشاگران خنده‌دار است و هم تانینده احتیاج به حضور یک کارگردان با تجربه در کنار خود دارد تا کارش به لوگی نکشند» او که طرفدار فیلم‌های طنز است، فیلم را در یک جمله این‌طور توصیف می‌کند: «دریغ از یک صحنه خنده‌دار»

فیلم برای برخی هم

بسیار سرگرم کننده بوده است اما این که عهده کمی از فیلم رضایت داشتند، اما نمی‌توان بی اعتنا از کنار آنها گذشت امیر خان بیگی یکی از تماشاچیان است که از دیدن فیلم لذت برد است او «گینس» را با افتقار می‌شاد می‌داند. «فیلم جالبی بود و به نظرم خیلی‌ها در سالن در حال لذت‌بردن از فیلم بودند. من به همراه برادر و دوستم با دیدن این فیلم کلی خندیدیم. به نظرم اگر دیگر در سالن هم شاد و خندان بودند مردم همگام بختی انگشتر هندی در سانس دست می‌زدند و این معنی یک اتفاق شاد که مدت‌ها بود در سینما ندیده بودیم.» او ادامه می‌دهد: «صحنه خن این فیلم طنز است و قرار دیدن مخاطب خاصی به بخش‌های با بده‌ها، اما قریب معمول برای این دو نفر معروف خیلی‌ها دیدنی بود» او داستان فیلم را به همراه دوستان خود در خانه می‌دید: «هر فیلم و صحنه‌های آن که می‌ببینم در این فیلم‌ها بسیار به نظر من تازگی می‌شود. اینها فکر می‌کنم برای ما تازگی است و این معنی آن است که در این فیلم‌ها بسیار به نظر من تازگی می‌شود. اینها فکر می‌کنم برای ما تازگی است و این معنی آن است که در این فیلم‌ها بسیار به نظر من تازگی می‌شود.

اگر به شوق همبر اگر درسد در سانس آخر که شترع هم‌چیز به راه می‌زند، تماشاچیان در میان سندی‌ها سراسر با استنادها و عده‌ای سالن را ترک می‌کنند. اما در اظفار بسیاری نمانده‌اند، اما در اظفار بسیاری نمی‌آید صحنه پایانی فیلم را می‌بینند. اما در اظفار بسیاری نمی‌آید صحنه پایانی فیلم را می‌بینند.

تماشاچیان که انتظارشان برآورده نشد می‌توان به راحتی دید که جمعیت گرچه خنده بر لب دارند اما رضی نیستند. بسیاری از تماشاچیان موقع خروج از سالن درباره فیلم حرف می‌زنند و می‌توان جمله‌های شبیه به هم بسیاری را شنید. سارا اسعدت با ناز رضایتی درباره فیلم می‌گوید: «مخترم اصلا این فیلم طنز نبود، من دیدنش شیمان هستم. فیلمی که نمی‌تواند تحمل را تا پایان در سالن نگه دارد اشکال اساسی دارد.» او که «هنگ سبز» را پیش از این دیده‌است اضافه می‌دهد: «فکر می‌کنم دیدن هنگ سبز» سطح سانس‌ها را بالا برده است. فکر می‌کنم بعد از آن، این فیلم، فیلم خوبی نباشد، دلیلش هم حضور بازیگرانی

اولین ساخته تانینده

به گفته خودش قرار نیست اثر سخت و تقیلی باشد و تنها یک کم‌دی سرگرم کننده است. او این بار با فضایی نظیر «گینس» نمایش را بر روی پرده کرده است. کارگرانی که در آن است که می‌توان گفت با همه تفهدها، کماکان هرچه موفق از آن برآمده است.

درآمد است

شوخی‌های سخیف و بی‌بندگی که از همه اقتضات برخاسته بود، به‌خصوص باقیانی فیلم را غیر قابل تحمل می‌کرد مردم حتی در دوازده سالن را زودتر ترک کنند. او ادامه می‌دهد: «صحنه آغاز فیلم سارا به پای فیلم «روز شش» که در آن یک فرد مبتلا به سندرم دان حضور داشت می‌اندازد. این ایده و استفاده از این بازیگر جای کار بسیاری داشت اما استفاده خوبی از آن نشد. در ادامه فیلم سارا به پای فیلم «حمق و احمق‌تر» می‌آید اما با قاضیه شبیه شوخی‌های این دو برادر می‌تواند به رضی باشد البته با رعایت جانب انصاف می‌گوید: «همی‌توام توکم‌گویم اصلا نندیدم. منم مخاطب مردم طنز هستند و ما در دیدن فیلم‌های طنز لذت می‌بریم. اما اتفاقاً طنز را زانری بسیار سخت‌تر از دیگر ژانرها می‌دانم به

